

# اطلاعیه راه‌توده

۲۸ اردیبهشت ۱۳۸۰

زمان تشکیل جبهه وسیع دفاع از "جمهوریت" و بردن این شعار، بعنوان شعار مرحله ای جنبش به میان مردم و کوشش برای اتحاد همه طرفداران جنبش، اصلاحات و اصلاحات انقلابی زیر این شعار و ظرفیت‌های «جمهوریت» فرا رسیده‌است!

انتخابات پیش روی ریاست جمهوری  
انتخاب بین "جمهوریت" و "حکومت" است!

## بسیج ملی و تاریخی مردم ایران برای انتخاب دوباره "محمد خاتمی"!

به آنها که با بحث انحرافی «ضرورت بالا بردن سطح مطالبات جنبش» و «انسداد جنبش و اصلاحات»، عملاً در جهت تفرقه جنبش حرکت کرده و می‌کنند و آب به آسیاب جبهه مخالفان جنبش می‌ریزند، باید گفت: بجای سطح مطالبات، باید سطح قدرت اجرائی مطالبات جنبش را بالا برد و این در حال حاضر ممکن نمی‌شود مگر با حضور گسترده مردم در انتخابات و رای به "محمدخاتمی"!

با حضور همه جانبه در انتخابات، باید مانع فشار جبهه مخالفان جنبش به محمدخاتمی، پس از انتخابات، برای تشکیل کابینه ائتلافی با کاندیداهای ۹ گانه این جبهه در انتخابات پیش رو شد!

هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، در فضائی آکنده از توطئه و دسیسه علیه جنبش عمومی مردم ایران برای اصلاحات و تحولات انقلابی در کشور برگزار می‌شود. جبهه مخالفان تحولات و اصلاحات مرکب از روحانیون به قدرت و ثروت دست یافته، تجار بزرگ، ارتجاع مذهبی آلوده به شبکه‌های فراماسونری، طرفداران ادامه برنامه ضد ملی «تعدیل اقتصادی» و خصوصی سازی، زمینداران بزرگی که در تلاش احیای فتودالیسم هستند و تکنوکرات‌های وابسته و کارگزار این طیف که خود نیز بر سر سفره غارت مردم نشسته‌اند- از یکسو با انواع توطئه‌ها و از جمله عدم اعلام رسمی حمایت از کاندیداهای خویش در این انتخابات، خود را ظاهراً از آن کنار کشیده‌اند و از سوی دیگر با پیش انداختن ۹ کاندیدای وابسته به خود رویای طلائی تقسیم آراء مردم و چانه‌زنی‌های بعد از انتخابات را در سر می‌پرورانند!

آنها از یکسو می‌کوشند خود را حاکمیتی الهی و برکنار نشدنی از قدرت جلوه دهند و مردم غیر متشکل را از ادامه اصلاحات مایوس کرده و از شرکت در انتخابات باز دارند، از سوی دیگر تمام تشکل‌های خود را برای رای به کاندیداهای ۹ گانه خویش بسیج کرده‌اند! با آنکه کاندیداهای ۹ گانه این طیف همگی از اعضای رهبری تشکل‌های جبهه مخالفان اصلاحات، وزرای این جبهه در کابینه‌های ۲۲ سال اخیر و

از چهره‌های مورد حمایت آنها در مراحل مختلف این ۲۲ سال بوده‌اند، تشکل‌های این جبهه با آگاهی از نفرت مردم نسبت به خویش از اعلام حمایت رسمی از کاندیداهای خود پرهیز کرده و آنها را مستقل معرفی کرده‌اند تا مردم را گمراه نکنند. رسواترین اعتراف این جبهه نسبت به موقعیت از دست رفته خویش در میان مردم عدم حضور هیچ یک از روحانیون وابسته به این جبهه در عرصه انتخابات است. همان روحانیونی که در نماز جمعه‌ها بنام مردم سخن می‌گویند! این رسوائی چنان است که آنها، از بیم واکنش سنگین مردم در پای صندوق‌های رای، علیرغم ارتباطاتی که با وزیر اسبق اطلاعات «علی فلاحیان» دارند و او را بی‌اعتناء به همه اتهامات جنایتکارانه‌ای که بر دوش دارد از صافی شورای نگهبان گذرانده‌اند، حتی از وی نیز نتوانسته‌اند رسماً حمایت کنند!

بنظر حزب توده‌ایران، این یکی از بزرگترین دست‌آوردهای جنبش مردم در سال‌های اخیر و اعتراف صریح مخالفان رای و نظر مردم به رشد کم نظیر آگاهی عمومی مردم ایران نسبت به حاکمیت و تشکل‌ها و چهره‌های حاضر در ساختار مافیائی قدرت و ثروت در جمهوری اسلامی است! شناخته شده‌ترین این کاندیداها عبارتند از: تشکل حقانی «علی فلاحیان»، مولفه اسلامی «عبدالله جاسبی»، تشکل‌های همسو با جامعه روحانیت و مولفه اسلامی «حسن غفوری فرد»، بازار سنتی و شورای تبلیغات اسلامی و جامعه روحانیت «احمد توکلی»، بیست رهبری و بخشی از فرماندهان شورای فرماندهی سپاه پاسداران «علی شمخانی» و...

کمیته مالی امداد امام، شورای تبلیغات اسلامی، بزرگترین و ثروتمندترین بنیاد مالی در جمهوری اسلامی «آستانقدس رضوی»، شبکه‌های متشکل گروه‌های فشار، ستاد ائمه جمعه، اعضای حقوق بگیر و وابسته به مدرسه حقانی، جامعه روحانیت مبارز و جامعه روحانیت حوزه علمیه قم، تلویزیون دولتی، مطبوعات وابسته به این جبهه، حسینیه‌های تیمی جنبش مولفه اسلامی و فرماندهی بسیج و ۰۰۰ همگی بسیج شده‌اند، تا در عین انواع حادثه‌آفرینی‌ها، ترساندن مردم از رای به خاتمی و خانه نشین کردن توده مردم ایران، تا آنجا که ممکن است آراء بخشی از بدنه سپاه و بسیج را برای علی شمخانی، آراء شبکه‌های اطلاعاتی-جنائی و حسینیه‌های تیمی را برای «علی فلاحیان»، آراء بخشی خانواده‌های قربانیان جنگ که کمک مالی از کمیته امداد دریافت می‌کنند را برای حسن غفوری فرد، آراء بخشی از دانشجویان دانشگاه آزاد را به سود عبدالله جاسبی، بخشی از آراء بازار سنتی را برای احمدتوکی و ۰۰۰ جلب کنند. به این ترتیب و برای نخستین بار در تاریخ ۲۲ سال اخیر، آنها که در نماز جمعه‌ها، از منبر قضاوت در قوه قضائیه، در تلویزیون دولتی و بعنوان ناطق تظاهرات و راهپیمائی‌های دولتی بنام مردم «چک بی محل» می‌کشند، بیمناک از آشکار شدن چند باره بی‌پایگاهی خود در میان مردم، با عدم پشتیبانی علنی از کاندیداها، خود را به ظاهر از انتخابات کنار کشیده و آن را تحریم کرده‌اند و در باطن با تمام توان و امکانات مالی و حکومتی پشت کاندیداها ۹ گانه خویش قرار گرفته‌اند! آنها کاندیدای ریاست جمهوری معرفی کرده و شورای نگهبان را نیز با همین شناخت و تائید توطئه آنها را تائید صلاحیت کرده، اما از ترس مردم جسارت حمایت رسمی از آنها را ندارند!

**مافیای اقتصادی - سیاسی، با قبول و اعتراف به طرد روحانیون مخالف اصلاحات از سوی مردم ایران، اینبار بجای یک کاندیدا ۸ کاندیدای غیر روحانی را همراه علی فلاحیان به صحنه آورده و از پشت صحنه با تمام نیرو به سود آنها وارد عمل شده‌است، اما از بیم آگاهی مردم و شکست آنها در این انتخابات، از حمایت علنی از کاندیداهای خویش خودداری کرده‌است! و این، از نظر حزب توده‌ایران، بعنوان آگاهی عمومی مردم از حاکمیت و خائنین به آرمان‌های انقلاب ۵۷، یکی از دست‌آوردهای بزرگ جنبش کنونی است!**

### خاتمی، یگانه کاندیدای جنبش!

یگانه کاندیدای جبهه اصلاحات و جنبش مردم در میان ۱۰ کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری "محمدخاتمی" است، که تا آخرین لحظات فرصت بررسی صلاحیت‌ها در شورای نگهبان، کوشش همه جانبه‌ای برای جلوگیری از ورود او به این دوره از انتخابات و حتی رد صلاحیت او جریان داشت. در ادامه همین کشاکش، که به صف آرائی در شورای نگهبان نیز انجامیده بود، مهلت بررسی صلاحیت‌ها، از سوی شورای نگهبان تمدید شد! بر این اساس و بر خلاف تبلیغاتی که مافیای قدرت و ثروت برای فریب مردم و گمراه ساختن آنها می‌کند، در این انتخابات کاندیداها ۹ گانه جبهه مخالفان اصلاحات در برابر یک کاندیدای جبهه اصلاحات قرار دارند و انتخاب میان اصلاحات و ضد اصلاحات، میان جنبش و ضد جنبش و میان طرفداران جمهوریت و طرفداران حکومت، میان خائنین به انقلاب ۵۷ و طرفداران آرمان‌های انقلاب ۵۷ است. هر نوع تعلل و تردید در شناخت این صف‌آرائی و کم اثر دانستن شرکت در انتخابات، یک غفلت تاریخی برای مردم ایران است!

با این شناخت و ارزیابی از انتخابات هشتمین دوره ریاست جمهوری، بسیج مردم برای شرکت در آن به مهم‌ترین و فوری‌ترین وظیفه نیروهای میهن‌دوست، سازمان‌ها و تشکل‌های خواهان اصلاحات، مبارزان مذهبی و غیر مذهبی و دلسوزان سرانجام انقلاب ۵۷ تبدیل شده‌است. مطابق همه قرائن و شواهد موجود فقط کافی است مردم برای شرکت در انتخابات بسیج شوند و به پای صندوق‌های رای بروند، هیچ نیازی به تبلیغ و تشویق برای رای به خاتمی نیست! مردم خود بیش از هر مبلغ و تشویق‌کننده دیگری می‌دانند که از میان آن ۱۰ کاندیدا به کدام یک باید رای بدهند. رای مردم جز به خاتمی نیست، فقط باید ضرورت شرکت در انتخابات را درک کرده و به دور از این اندیشه که بهر حال خاتمی انتخاب خواهد شد، به پای صندوق‌های رای بروند.

## بحث‌های انحرافی را باید کنار گذاشت

در کنار انواع محدودیت‌هایی که برای مطبوعات وجود آورده‌اند، یورش که به نیروهای ملی-مذهبی آورده‌اند و تلاشی که برای فلج کردن تشکل‌های طرفدار اصلاحات کرده‌اند، یک سلسله بحث‌های انحرافی و گمراه‌کننده نیز در ماه‌های گذشته عملاً آب به آسیاب تشکل‌های حامی ۹ کاندیدای جبهه مخالفان اصلاحات ریخته‌است! حاصل این بحث‌های انحرافی را می‌تواند در برخی تردید و تشتت‌های اخیر در جنبش دانشجویی دید. از جمله این بحث که حضور برخی کاندیداهای طرفدار اصلاحات و فشار تبلیغاتی علیه محمدخاتمی و انتقاد از عملکرد چهار ساله او می‌تواند سطح مطالبات جنبش را بالا ببرد و یا آن را به نمایش بگذارد! امری که از سوی سلطنت طلب‌ها و مجریان برخی سیاست‌های سؤال برانگیز علیه خاتمی - کیهان لندن، رادیو لوس آنجلس که برای داخل کشور دو ساعت برنامه علیه خاتمی پخش می‌کند- نیز با استقبال روبرو شده‌است!

**واقعیت اینست، که سطح و سطوح مطالبات جنبش آشکارتر از آنست که نیاز به نمایش آن باشد و آنچه هم که بعنوان بالا بردن این سطح مطرح می‌شود هیچ کلام و سخن و برنامه‌ای فراتر از آنچه که همگان در باره ضرورت نظارت دولت بر بنیادها و نهادهای زیر نظر "نهاد رهبری"، مقابله با انتصاب در برابر انتخاب، مقابله قاطع با مافیای اقتصادی-سیاسی، دفاع از جمهوریت و رای مردم در برابر توطئه لغو جمهوریت و اعلام حکومت بجای جمهوریت، کنار گذاشتن برنامه تعدیل اقتصادی و خصوصی سازی لجام گسیخته، جلوگیری از واردات لجام گسیخته و سامان بخشیدن به صنعت کشور و راه انداختن چرخ صنایع و ایجاد اشتغال، گشایش فضای سیاسی کشور، کوتاه سازی دست جنایتکاران حکومتی و مخالفان تحولات از اهرم‌های قدرت حکومتی، مقابله با قوانین و اندیشه‌های زن ستیزی، شکستن سد تقسیم فاشیستی مردم ایران به دو گروه اقلیت "خودی" و اکثریت "غیرخودی"، دفاع از آزادی مطبوعات و آزادی احزاب سیاسی و ... می‌دانند نیست!**

اینها، همگی در چهار سال گذشته بارها و بارها نه تنها در مطبوعات نوشته شده، نه تنها در سخنرانی‌ها و میزگردهای احزاب و شخصیت‌های طرفدار اصلاحات و جنبش مردم مطرح شده، بلکه بارها در سخنرانی‌های محمدخاتمی نیز تکرار و تکرار شده‌است. بنابراین، مشکل نه شناخت مطالبات جنبش، نه بالا بردن سطح مطالبات و نه نمایش مطالبات و خواست‌های مردم، بلکه عدم انسجام مردم، بلکه عدم انسجام مردم برای بخشیدن قدرت اجرائی به منتخب جنبش «محمدخاتمی» است! آنها که بر این عدم انسجام می‌افزایند و تردید و تزلزل را تشویق می‌کنند، به جنبش خدمت نمی‌کنند!

به این ترتیب، بزرگترین وظیفه نه بالا بردن سطح مطالبات جنبش، بلکه **بالا بردن قدرت اجرائی** برای تحقق این مطالبات است. ضرورت

بسیج عمومی مردم برای شرکت در انتخابات و حمایت قاطع از محمدخاتمی برای دوره دوم ریاست جمهوری در این مسئله گرهی نهفته‌است! **هر نوع**

**تردید و تعللی در بیان صریح حمایت از شرکت مردم در انتخابات و حمایت از محمدخاتمی و یا شروط ساختن این حمایت به**

**"اما" و "اگر"هایی که تردید و تزلزل توده‌های مردم را همراه داشته باشد، یک گمراهی تاریخی است!**

دوره دوم ریاست جمهوری محمدخاتمی را با رای قاطع و سنگین مردم ایران باید تبدیل به دور دوم اصلاحات کرد. تعلل‌هایی که بویژه در عرصه بسیار مهم اقتصادی و یورش به پایگاه واقعی مخالفان اصلاحات در دوره اول ریاست جمهوری محمدخاتمی و با احتمال بسیار بدلیل موقعیت ائتلافی کابینه وی، مقاومت مخالفان اصلاحات و حتی برخی ناآشنائی‌ها نسبت به ساختار مافیائی قدرت و پول در جمهوری اسلامی صورت گرفت، در دور دوم اصلاحات، می‌توان با بالا بردن قدرت اجرائی اصلاحات و با بهره‌گیری از تجربه دوره اول جبران کرد و این قدرت بدست نمی‌آید، مگر با پیروزی قاطع محمد خاتمی و حمایت قاطع مردم ایران از وی در این انتخابات. با این پیروزی قاطع، باید هر نوع شانس جان‌زنی جبهه متحد مخالفان جنبش برای تشکیل یک کابینه ائتلافی را از آن گرفت. این خطر وجود دارد، که پس از پایان انتخابات و به بهانه آراء کاندیدای ۹ گانه فشار برای تشکیل کابینه ائتلافی آغاز شود و دولت آینده را نیز برای تحقق مطالبانی که در بالا از آنها یاد شد فلج کند! در صورت وقوع چنین حالتی، طرفداران لغو جمهوریت و حتی حذف آن از قانون اساسی و اعلام حکومت و گنجاندن آن بجای جمهوریت در قانون اساسی در قوه مجریه حضور خواهند یافت. با وقوع این حالت، این توطئه نه تنها از طریق شورای نگهبان، نهاد رهبری، مافیای اقتصادی، طرفداران سلطنت روحانیت، مخالفان نظام پارلمانی و جمهوریت، بلکه از درون قوه مجریه نیز دنبال خواهد شد و بخشی از کابینه به مدافعین "حکومت" و مخالفین "جمهوریت" سپرده خواهد شد.

با این نگاه به انتخابات پیش روی ریاست جمهوری، این انتخابات تنها انتخابات ریاست جمهوری نیست، بلکه انتخاب **جمهوریت** به مفهوم رای، انتخاب و اراده مردم، در برابر **حکومت**، بعنوان نظام دلخواه مخالفان رای، نظر و جمهور مردم نیز هست. انتخابات پیش‌رو، دفاع از یکی از سه شعار و خواست اساسی انقلاب ۵۷ نیز هست، که آزادی و استقلال (دو خواست و شعار دیگر انقلاب ۵۷) نیز در آن بازتاب یافته‌است و تمام تلاش و توطئه‌هایی که برای حذف آن از قانون اساسی صورت می‌گیرد، در نهایت خود مقابله با آزادی و استقلال کشور را دنبال می‌کند!

بر مبنای این واقعیت و ارزیابی، از دل انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری، می‌توان و باید جبهه دفاع از جمهوریت را بعنوان بازتاب‌دهنده این مرحله از حرکت جنبش عمومی مردم ایران بیرون کشید و بر محور آن وسیع‌ترین اتحاد را میان طرفداران جنبش و طرفداران "جمهوریت" در برابر "حکومت" و مخالفان جنبش تشکیل داد. این جبهه، باید مرزهای فاشیستی **خودی** و **غیر خودی** را از میان برداشته، "انتخاب" را در برابر "انتصاب" تقویت کند و به آگاهی و شناخت عمومی مردم ایران و عزم راسخ آنها برای پیشبرد اصلاحات و سهم داشتن در تعیین سرنوشت کشور تشکل ببخشد!

**اخبار "راه‌توده" از انتخابات دوره هشتم ریاست جمهوری - روی سایت راه‌توده!**